

درباره تروریسم سیاسی.....	صفحه ۴	نشانی دیگر از فروماندگی.....	صفحه ۹
مبارزه ی تشکلات مستقل کارگری در ایران در چند ماه اخیر		جنبش جهانی کمونیستی.....	صفحه ۱۳
مبارزه ایست میان دو طبقه، دو جهانبینی،		ایالات متحده و چین در اجلاس همکاری اقتصادی آسیا و	
دو خطمشی سیاسی.....	صفحه ۵	اقیانوس آرام (ایپک).....	صفحه ۱۳
آمریکا آیا واقعا از سوریه عقب می نشیند؟.....	صفحه ۷	من هم شکنجه شده ام.....	صفحه ۱۳
جرات به مبارزه.....	صفحه ۷		

کارگران هفت تپه

بديل های ديگر که دست طلب بسوی جها نخوران امپرياليستی و مرتجعان منطقه ای دراز کرده اند. فداکاری کارگران هفت تپه و زندانیان مقاوم فولاد اهواز صفحه نوینی در جریده پر افتخار جنبش کارگری باز کرده است و اسماعیل بخشی نماینده ی انتخابی شورای کارگران هفت تپه بی هراس از دستگیری مجد د و شکنجه و احتمالا مرگ در زیر شکنجه و در زندان - مثل ستار بهشتی و شاهرخ زمانی، دست به افشاگری زد و طی نامه ای آنچه به او در زندان گذشته است را بر ملا ساخت. چه بقیه در صفحه دوم

کارگران هفت تپه و کارگران فولاد اهواز در عمل توانستند بار دیگر و در سطحی پیشرفته تر از هر زمان مبارزات کارگری را برای متشکل شدن، برای استقلال کامل تشکيلات خود از هرگونه دخالت دولت و دستگاه های امنیتی تکامل دهند. آنها کلیه تشیيات افراد و گروه های ضد کارگری را افشا و در عمل خنثی کردند و پرچمی را برای اتحاد بزرگ و سراسری از کارگران تا معلمان و دانشجویان برافراشتند که عملا بعنوان بديل سیاسی و اجتماعی در میدان است و هر روز که می گذرد بر نیرو پستیبانان آن افزوده می شود. این بدیلی است در برابر

ایران را سراسر نفرت و انزجار فرا گرفته است

قشون سیاه پوشان جنایتکار خامنه ای نماینده ی سرمایه داری کلان ایران هراسناک از خیزش جنبش کارگری ایران شبانه به خانه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان ریختند و با ضرب و خشونت وحشیانه ای آنها را ربودند. بیانیه سندیکای هفت تپه در این مورد خطاب به حاکمیت می گوید:

به لشکر کشی پایان دهید

خبر تکمیلی در باره بازداشت اسماعیل بخشی نماینده کارگران و عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

بر اساس آخرین بقیه در صفحه سوم خبر رسیده ساعت

جنبش اعتراضی جلیقه

زردها

امروز مردم بطور روزانه در خیابان های فرانسه در حال تظاهرات درگیری با پلیس هستند این جنبش که تا کنون صدها زخمی و ۲ نفر کشته (بر اساس گزارش رادیو فرانسه) بجای گذاشته است. منتج فشارهای طولانی دولت امپریالیستی فرانسه علیه مردم نه تنها کشور فرانسه بلکه اقضا نقاط جهان بویژه آفریقا از یک سو و بحران اقتصاد جهانی ناشی از رقابت های افسار گسیخته دارودسته های امپریالیستی است. وضعیت کنونی جهان سرمایه داری را می توان با مثال معروف فارسی که می گوید "کلات را بجسب تا دزد نبرد" توضیح داد. برای مدت های مدیدی در کشورهای متروپل توده ها در شرایط "دولت های رفاه" زندگی کرده اند. در آن دوران ناشی از مبارزات جنبش کارگری و دست آوردهایش، توده ها از شرایط بسیار مناسب تری نسبت به امروز برخوردار بودند. بقیه در صفحه چهارم

بودجه سال ۱۳۹۸

آن می تواند بخشی از بودجه را تامین کند. بودجه ظاهرا بر دو شاخص مالیات، درآمدهای نفتی و غیر نفتی به خارج تنظیم شده است. «رئیس کل بانک مرکزی گفت: ارز حاصل از صادرات نفتی به کالاهای اساسی و استراتژیک اختصاص می یابد و از این رو برای تأمین ارز وادرات دیگر نیازهای مردم، باید از ارز حاصل از صادرات استفاده کرد.»

نگاهی به توضیحات حاشیه ای روزنامه های ایران می تواند شمایی از آنچه که در رابطه با بودجه سال ۹۸ می گذرد را نشان دهد:

بالاخره بعد از انتظار و کمی تاخیر بودجه سال ۱۳۹۸ روز ۴ دیماه به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد نگاهی به این بودجه که بر اساس شرایط و درآمد نفتی بر مبنای بشکه نفت ۶۰ دلاری محاسبه شده است نشان می دهد که دولت روش های مقابله جدی را برای تحریم ها در بودجه منظور کرده است. روشن است که مقابله کنونی رژیم اسلامی با تحریم ها صرفا یک موضوع اقتصادی نیست و این چالش های گوناگون نه تنها اقتصادی بلکه سیاسی، اجتماعی و نظامی و فرهنگی را در بر می گیرد. اولین تاثیر تحریم ها بر وضعیت اقتصادی مردم بویژه کارگران و زحمتکشان جامعه بوده و خواهد بود. که در بودجه امسال، بالا رفتن درآمدها منظور نشده است و صرفا اضافه کردن یارانه ها مد نظر قرار گرفته است. بدین مفهوم رژیم اسلامی همچنان با واردات تصمیم گرفته است که به جنگ کمبود کالا برود. جنگی که از قبل سو دهای

کارگران هفت تپه بقیه از صفحه اول

بسا همین شکنجه ها در مورد علی نجاتی هم بکار گرفته شده است که ما هنوز بی خبریم. رژیم جمهوری اسلامی یک نظام قرون وسطایی ستمگری است که از پنجه هایش چرک و خون می چکد. نمایندگان دادستانی وزندانان این نظام و شکنجه گرانشان همه و همه وفادار بدین نظام متعصب خونخوار که در راسش خمینی و جانشینش خامنه ای بوده و هست در این زمینه ادامه دهنده همان نظام سلطنتی اند که پس از کودتای بیست و هشت مرداد آمریکایی با شرکت آیت الله ابوالقاسم کاشانی جنبش کارگری و چپ ایران را سرکوب کردند و بهترین جوانان مبارز و انقلابی را بدست شکنجه گران ساواک به هلاکت رساندند. در آن زمان صحبت از پرویز ثابتی، تهرانی، بود در دوره نظام ولایت فقیه نام خلخالی، لاجوردی و امامی و مرتضوی به زبان ها افتاده است. زندگی و مبارزه طبقاتی به وضوح نشان داده است که در دوران انحصارات و امپریالیسم نظام های سرمایه داری که در کشورهای مثل ایران سر کار آمده اند، ماهیتا ضد کمونیستی و کارگری، ضد آزادی و دموکراسی بوده و استبداد مطلقه فردی را اعمال کرده اند. در دوره رضا شاه دهان روزنامه نگاران را چون فرخی یزدی را دوختند و به دکتر ارانی آمپول خلاص زدند، در دوره ی پسرش سردبیر روزنامه شورش را بخاطر مقاله های انتقادی اش دستگیر کردند و در روز روشن در حیات زندان او را آتش زدند. در دوره نظام جانشین سلطنت با قضاوتی اسلامی همه جانبه تر و در سطحی وسیعتر روزنامه نگار ها را به قتل می رسانند. از کشتار دهه ی شصت جهان با خبر است و از قتل های زنجیره ای مطلع و هر روز که می گذرد بر لیست سیاه آن اضافه می شود. امروز اسماعیل بخشی بنام خود، به نام شورای کارگری هفت تپه، به نام کلیه کارگران، زنان و مردان انقلابی و آزادی خواه شهادت می دهد که نظام جمهوری اسلامی شکنجه گر است. بسپیده قلیان اعلام می کند که این رژیم دزد و فاسد است، رژیم فرو مانده و در مانده را اینبار نه تنها برای حقوق موقعه کارگران بلکه برای جنایت ضد بشریش به زیر سوال برده اند. این اقدام شجاعانه آنها مورد پشتیبانی کارگران، معلمان، دانشجویان و مردم مترقی قرار گرفته است. حزب رنجبران ایران ضمن محکوم کردن رژیم شکنجه گر اسلامی خواستار آزادی فوری

زندانیان سیاسی است. بدینوسیله پشتیبانی قاطع خود را از اقدام جسورانه و راستین اسماعیل بخشی اعلام و سپیده قلیان می کند و به شکنجه گران و حامیان آنان که با اقدام او به هراس افتاده اند هشدار میدهد دست از تهدید و آزار و هرگونه فشاری را به او و خانواده او بردارند. سرنوشت نظام سلطنتی با قیام میلیونی مردم تعیین شد. از خیزش صد شهر ایران در دیماه ۹۶ یکسال می گذرد. و از آن زمان تابحال همچنان کارگران، بازنشستگان، معلمان، رانندگان، دانشجویان در اعتراض و اعتصاب و اعتراضند. قدرت متشکل توده ها هرروز بیشتر می شود و بی تردید سرنوشتی مشابه برای نظام جمهوری اسلامی در پیش است.

علیه اعدام، علیه شکنجه

گسترده باد جنبش مستقل کارگری

زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند



بودجه ۹۸ بقیه از صفحه اول

عمران و بازسازی مناطق، دفاع از منافع طبیعی همچون بازسازی زمین ها و دریاچه های آسیب دیده و دقیقاً مشخص نیست و نمای کلی از آن ارائه شده است. مشرق نیوز از قول عضو کمیسیون اقتصادی مجلس «شنیده ها حاکی از آن است که متأسفانه قرار بودجه طرح های عمرانی در سال آینده ۱۱ درصد کاهش پیدا خواهد کرد.» وی اضافه می کند «می گویند ممکن است حدود کارمندان ۲۰ درصد اضافه شود». جالب است بودجه امسال به تمامی ناروشن است آیا برای حاکمیت هم همینطور است. سازمان برنامه و بودجه در واکنش به انتشار خبرهایی در رسانه های اجتماعی در مورد بودجه نوسازی و تجهیز مدارس در لایحه بودجه ۹۸، اعتبار پیش بینی شده در این خصوص را ۲۷۵ میلیارد ریال عنوان کرد.

بطور مثال اعتبارات موسسه جامعه المصطفی العالمیه که یک موسسه آموزشی برای دانشجویان خارجی است بودجه خود را ۳۳ درصد کاهش میدهد برای سال ۹۸. (دلیل آن ذکر نشده است)

نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه با بیان اینکه سال ۹۷ سهم دولت از درآمد نفتی ۲۷ میلیارد دلار است، افزود: «در بهترین شرایطی که برای سال ۹۸ پیش بینی شده درآمد نفتی دولت ۲۱ میلیارد دلار است»؛

یعنی وابستگی نفت در سال آینده حداقل ۲۸ درصد نسبت به سال جاری کمتر می شود». ایران دارای دولتی است که آمارهای دولتی اش با حرفهای رهبران دولتی اش هیچگونه همخوانی نداشته و هر کسی حرف خودش را می زند. بودجه ایران همچون گذشته بر سه پایه مالیات، نفت و تولید قرار دارد. حتی سایت جوان آنلاین که به سپاه پاسداران وابسته است به این مسئله اذعان دارد که آمارهای بانک مرکزی و گمرک ایران در چند ساله گذشته دارای اختلاف ۳۰ درصدی بوده است. با توجه به نکات بالا

در این شرایط خامنه ای در سخنرانی برابر فرماندهان سپاه از توانمندتر شدن قدرت نظامی ایران صحبت می کند. معنای این حرف یعنی افزایش بودجه نظامی، افزایش مانورهای نظامی و درگیری های منطقه ای. اما ظاهراً در بودجه سال ۹۸ افزایشی در این زمینه نشان داده نشده است. اما مشرق نیوز اطلاع می دهد که بودجه دفاعی ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده و همزمان یکی از اعضای کمیسیون امنیتی مجلس شورای اسلامی می گوید بودجه نظامی افزایش پیدا کرده است. این همه دوگانگی در توضیح بودجه به چه مفهوم است؟

آنچه که روشن است رژیم اسلامی بعزت تحریم ها مجبور است بسیاری از بارهای خود را برای آمادگی و مقابله با حوادث پیش بینی نشده آینده و فشارهای کنونی زمین بگذارد. یکی از این بارها بودجه سازمان ارشاد اسلامی است که نه تنها تأثیری بر روی نسل های جوان نداشته است بلکه بودجه سنگینی را نیز می بلعد. رژیم اسلامی با تبلیغات فریبنده ظاهراً بودجه یکی از انگلی ترین نهادهای خود را کم کرده است. اما با کم شدن بودجه سازمان ارشاد سهم نهادهای مذهبی اضافه هم شده است. آنچه از سهم این سازمان کم شده بودجه نهادهای فرهنگی مثل سینما و تئاتر است.

بودجه نهاد رهبری نه در ابعاد و نه در نوع خرج کردنش نه روشن است و نه آماری در بودجه برای آن آمده است. سازمان های بازرسی دولتی که باید بودجه و نوع خرج و دخل آنها را کنترل کنند عملاً در خدمت نهاد رهبر بوده و حتی اگر بخواهند جرات بیان واقعیات راجع به بودجه های مخفی و کاملاً بی مورد را ندارند.

در واقع بودجه امسال در عین اینکه بودجه ای سخت گیرانه برای کارگران و زحمتکشان است و بالا رفتن قیمت ها از هم اکنون در بودجه خود را نشان می



سرمایه و حامیان آنها در پاسخ به خواست و مطالبات کارگران است
لشکر کشی به خانه یک کارگر و ایجاد رعب و وحشت در یک شب تاریک چه معنایی دارد؟

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن این لشکر کشی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل بخشی، علی نجاتی و دیگر کارگران زندانی می باشد

کارگر زندانی فوری و بی قید و شرط آزاد باید گردد

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

یکم بهمن ۱۳۹۷

پدر سپیده قلیان امروز گفت: نحوه بازداشت جنایت و شکنجه‌ی محض است. با ناراحتی و نگرانی شدید می‌گوید: ساعت ۷ صبح ۱۲ مامور مرد و دو مامور زن با خشونت ریختند خانه، دندان‌های پسر را شکستند من و همسر را کتک زدند گفتند دخترت را هم می‌کشیم. خواهش می‌کنم نگذارید بچه‌های ما را بکشند.

در ادامه گفت: این همه سال داستان دو طفل مسلم را برای ما گفتند با بچه‌های من بدتر رفتار کردند، با دیگ غذا زدند توی سر دخترم، سپیده فریاد می‌زد. دست و پای پسر را بستند انداختند صندوق عقب ماشین. من رفتم اطلاعات شوش گفتند تو را هم بازداشت می‌کنیم.

پدر سپیده قلیان می‌گوید که جان سپیده و برادرش در خطر است، یکی از ماموران لحظه بازداشت فریاد می‌زد همه ولش کنن، من یکی ولش نمی‌کنم، می‌کشم این دختر رو. حزب رنجبران ایران همراه جنبش پر افتخار کارگری و در همبستگی با سندیکای کارگران هفت تپه ضمن محکوم کردن این رفتار وحشیانه رژیم سرمایه داری اسلامی از همه نیروهای آزادیخواه، چپ و کمونیست دعوت می‌کند در یک صف به دفاع از قربانیان این جنایات برخیزند. دستگاه‌های امنیتی رژیم از درون پوسیده و در مقابل خیزش توده‌ای در صفی متحد و همبسته تاب مقاومت نخواهد داشت. مرتجعان تا آخرین لحظه همچنان کینه توزانه مردم را سرکوب می‌کنند و منطق کارگران و زحمتکشان مقاومت و مبارزه تا آخر تا پیروزی است.

حزب رنجبران ایران

یکم بهمن ۱۳۹۷



است. بودجه‌ای که از یک طرف فشار به کارگران و زحمتکشان را برای گذار از این دوران تشدید می‌کند و به تحکیم صنایع نظامی و نظامی‌گری می‌پردازد. این بودجه بعلت اینکه براساس فروش نفت و واردات تنظیم شده است، در اوضاع کنونی همچون گذشته نگاه اقتصادی به شرق و بویژه واردات از چین دارد.

رژیم جمهوری اسلامی در طی ۴ دهه حاکمیت حتی در یک رشته صنایع تولیدی پایه‌ای نتوانسته سیستمی با ثبات بوجود بیاورد - صنایع نظامی استثناء هستند آنهم بعلت اینکه با قدرت دولتی ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کنند - اکثر تولید کنندگان در ایران در بخش خصوصی و حتی دولتی، دولت را متهم به قاچاق کالا و ویرانی تولید داخلی در خدمت شرکت‌های تجاری می‌کنند. حقیقت موضوع آن است که رژیم ایران یک رژیم سرمایه داری دلال است که از تجارت قاچاق و غیر قاچاق ارتزاق می‌کند. تامین بودجه از مالیات‌ها یکی از اقلام درآمد دولت بوده است. بودجه ارائه شده به مجلس خبر از دریافت ۱۲۰ هزار میلیارد تومان مالیات در سال آینده می‌دهد. بودجه کل ایران تقریباً یک تریلیون و ۷۰۰ هزار میلیارد تومان است که مقدار مالیاتی که بایستی وصول شود در آن بشدت ناچیز است. سهم نفت در بودجه بر طبق سایت خیر آنلاین ۳۸۶ هزار میلیارد تومان یعنی یک سوم بودجه است. که با مقایسه با دیگر خبرگزاری‌های ایران تفاوت زیادی دارد. البته هنوز بودجه ایران توسط مجلس شورای اسلامی به دولت برای تامین آن برگردانده نشده است و ممکن است برخی تغییرات کوچک در آن داده شود. اما متن اولیه نه با توضیحات و حواشی آن بلکه توسط ارقام نشان میدهد که در سال آینده فاصله طبقاتی تشدید خواهد شد، فقرا فقیرتر و پولدارها پولدارتر خواهند شد.

مهران



ایران را سراسر نفرت و انزجار فرا گرفته بقیه از صفحه اول

۵۵/۲۳ دقیقه امشب یکشنبه شب ۱۵ (پانزده) ما شین پاترول!!؟ که حامل تعداد زیادی نیروی مسلح بوده، به خانه اسماعیل بخشی حمله ور شده و اسماعیل بخشی را به مکان نامعلومی انتقال داده اند. این لشکر کشی تنها از سر استیصال صاحبان

دهد ولی از افزایش حقوق‌ها خبری نیست. معمولاً دولت‌های ورشکسته برای اینکه مزدگیران را فریب بدهند از افزایش بودجه در سال آینده ولی براساس چاپ پول بدون پشتوانه خبر می‌دهند. بودجه امسال ظاهراً با حجم نقدینگی کمتری تنظیم شده است. ولی این به مفهوم کنترل تورم نیست. رژیم با برداشتن ۴ صفر از اسکناس‌های درشت، حجم نقدینگی را کاهش خواهد داد و در همان روز اول حقوق‌ها را با سقوط آزاد همراه خواهد کرد. همان کاری که دولت‌های اروپایی با پیدایش یورو در دو دهه پیش یک روزه جیب مردم خودشان را با فروش کالا با نرخ‌های قبلی، خالی کردند. در بودجه امسال دولت سعی دارد که وضعیت موجود را حفظ کند و سعی نماید که در عین گشایش‌هایی در بازارهای خارجی برای خود بوجود بیاورد. به همین دلیل از همین حالا سعی دارد که با کنار گذاشتن دلار فشار تحریم‌های آمریکا را کم کرده و آنرا بی اثر سازد.

وضعیت اقتصادی در ایران به درجه‌ای از بی‌ثباتی رسیده است که خود دولت‌مردان رژیم اسلامی بصورت علنی و بارها به آن اذعان کرده اند. بودجه‌هایی که دولت‌های رژیم اسلامی در طی چند دهه گذشته به مجلس برده اند عمدتاً بر اساس درآمدهای نفتی تنظیم شده است. بطور متوسط درآمدهای نفتی بین ۵۰ تا ۷۰ درصد بودجه را در بر گرفته است. در تمامی این سال‌ها هم ادعا شده است که سهم نفت از بودجه و درآمدهای دولتی کم شده است و جای آنرا درآمدهای غیر نفتی از طریق صادرات گرفته است. ادعایی که با برنامه ریزی براساس بودجه و خرج آن غیر واقعی بودن آن به ثبوت رسیده است. رژیم در طی این سال‌ها به آن چیزی که خدمت کرده است. ویرانی تولید، تعطیل کردن کارخانه‌ها، رشد وسیع بیکاری و فقر. بودجه امسال هم هیچ نشانی از براه انداختن خط تولید و بازسازی صنایع بطور واقعی، و نه در شعارها، ندارد. اما تاکید مدیران اقتصادی کشور به ورود «کالاهای اساسی» با استفاده از دلارهای نفتی است. کمیسیون اقتصادی مجلس ادعای دولت مبنی بر افزایش اشتغال را بر اساس بودجه زیر سؤال برده است. ولی همگی تاکید دارند که «سال آینده سال سختی برای مردم ایران خواهد بود ولی مردم باید آمادگی برای گذار از این دوره را داشته باشند» (نقل به معنی از گفته‌های روحانی).

بودجه امسال بودجه یک دولت بورژوازی نفتی با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی

علیه اعدام، علیه شکنجه



جنبش اعتراضی... بقیه از صفحه اول

خدمات اجتماعی هنوز افشار کم درآمد و فقیر را تا حدی پوشش می داد. فروپاشی شوروی همراه است با فروپاشی دولت های رفاه و رشد گلوبالیزاسیون و لیبرالیسم اقتصادی و هجوم صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به سرکردگی آمریکا و متحدین اروپائی اش برای یک سره کردن تقسیم جهان بعد از شوروی. اما دوران فروپاشی شوروی آنچه را که سرمایه داری جهانی در انتظار پی آمدهایش بود برآورده نکرد. جهان دو قطبی جنگ سرد فرو ریخت و ریشه های جهان چند قطبی امپریالیستی از دل آن در نیود جنبش کارگری شکل گرفت. امپریالیست های آلمانی همراه دیگر امپریالیست های اروپایی برای ایجاد یک قطب پر قدرت و کارآ، ساختارهای متعددی را در اتحادیه اروپا شکل دادند که رهبری عملی آنها در دست فرانسه و آلمان بوده است.

آلمان و فرانسه دشمنان جنگ دوم جهانی و متحدین امروز با خرج میلیاردها دلار از جیب مردم کشورهای پیرامونی و کارگران و زحمتکشان کشورهای خود، تلاش بی وقفه ای را برای اروپای متحد دنبال می کنند. اگر آلمان به عنوان یکی از کشورهای پر قدرت اقتصادی جهان می تواند این خرج کمرکشن را تحمل کند، اما برای فرانسه وضعیت بسیار متفاوت است. اولاً فرانسه نسبت به آلمان از قدرت اقتصادی بالایی برخوردار نیست. حضور چین در آفریقا دست فرانسه را برای غارت آزادانه گذشته بسیار محدود کرده است. رقبای اقتصادی بطور دائم کنترل بلامنازع فرانسه در آفریقا را مورد چالش قرار می دهند. این وضعیت نه تنها مختص فرانسه بلکه بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر مانند اسپانیا و پرتغال و... هم هست. شکستندگی اقتصاد فرانسه بلاواسطه تأثیرش را بر روی کارگران و افشار کم درآمد فرانسه بجای گذاشته است. امروزه تقریباً در تمامی کشورهای جهان قیمت کالاها ثبات خود را از دست داده است. آنهم در شرایطی که حقوق ها و دستمزدها یا ثابت و یا به نسبت تورم با افزایش بسیار ناچیزی روبرو هستند. هر روز که می گذرد نابرابری طبقاتی و نژادی در فرانسه شدت بیشتری می گیرد. مهاجران سیاه پوست آفریقایی در فرانسه در شرایط بسیار ناگواری زندگی می کنند. درصد بیکاری در بین آنها بسیار بالاست. خشونت پلیس در برابر آنها بصورت بی درو پیکری اعمال می شود. جنبش جلیقه زردها جنبش

را دچار تحولات غیر منتظره ای نماید. صف بندی و توازن نیروهای مردم و دولت و دستگاه سرکوب و نیز سیاست هایی که جلیقه زردها در پیش گرفته و خواهند گرفت سمت و سو و برآیند نیروهای آنها به نفع طبقات تحتانی اجتماعی و یا سازش و تسلیم در آینده ای نه چندان دور نشان خواهد داد. با تمام این عوامل اما پی آمدهای این جنبش در جامعه فرانسه دیرپا خواهد بود.

مهران



**با قدردانی از کمکهای مالی
رفقا و دوستان به حزب
ذکر این نکته را ضروری
می دانیم که تکیه ی
حزب به اعضاء وتوده
ها در پیشبرد مبارزه
طبقاتی، روشی انقلابی و
پرولتاریائی است در حفظ
استقلال سازمانی و جدا
نشدن از طبقه کارگر
و توده ها**

درباره تروریسم سیاسی

اخیراً حزب کمونیست کارگری (خطر رسمی حکمیتست) در یک اطلاعیه از طرح ترور رهبران این حزب توسط حزب کومله (به رهبری عبدالله مهدی) در ۲۰۰۵ پرده برداشت و از همه احزاب و سازمان ها در خواست می کند که نه تنها این نقشه های تروریستی را محکوم، بلکه با این جریان قطع رابطه کنند.

کاری که حزب کومله انجام داده است، در دوران رژیم جمهوری اسلامی بین نیروهای اپوزیسیون رادیکال سیاستی طرد شده است. اما اینکه سازمانی مانند حزب کومله نهایتاً به نقشه های تروریستی علیه گروههای مخالف روی می آورد. از یک روند و نحوه تفکر، بینش و خط مشی ایدئولوژیک سیاسی و بن بست در رویاروی علنی، شفاف در جواب به جامعه نشات می گیرد. اما اگر به گذشته روند کمونیست کارگری از روز شکل دادن به خط مشی و برنامه حزب کمونیست ایران تا انشعابات متعدد در جریان کمونیست کارگری

تضادهای تلمبار شده جامعه طبقاتی فرانسه است. جامعه فرانسه از سنت های مبارزاتی درخشانی در عرصه طبقاتی برخوردار است. اتحادیه های کارگری هنوز هم نسبت به دیگر کشورهای اروپایی پر قدرت تر هستند. احزاب چپ در نگاه مردم فرانسه هنوز از اعتبار نسبتاً خوبی برخوردار هستند. فرهنگ روشنفکری در فرانسه با صدها متفکر جایگاه خوبی در فرهنگ بین المللی دارد. مجموع این عوامل، اقتصاد خراب، بالا رفتن بی حساب و کتاب قیمت ها، سنت های جنبش های پیشرو اجتماعی و... که مدتها در زیر فشار دم و دستگاه دولت و پلیس تلمبار شده است ناگاه سر باز کرده است. این هفتمین هفته بود که جنبش جلیقه زردها دولت و پلیس را در خیابان های فرانسه به چالش کشیده اند تاکنون از ۲ کشته و چند صد مجروح صحبت می شود. که احتمال بسیار زیاد آمارها بسیار بالاتر هستند. مדיاهای قلم به مزد سرمایه داری که همیشه برای تحقیر کشورهای جهان سوم از گاه کوهی می سازند به این جنبش جلیقه زردها آنطور که باید و شاید نمی پردازند. جنبش جلیقه زردها جنبشی اعتراضی علیه گرانی، بیکاری و اختلاف طبقاتی است. در عین اینکه نقش احزاب سیاسی برای سازماندهی آن زیاد نیست اما این جنبشی علیه یک دولت کهنه امپریالیستی که امروز باید جوابگوی جنایات، سرکوب و بی حقوقی، گرانی و اختلاف فاحش طبقاتی که بوجود آورده باشد. در عین حال این جنبشی در نهایت علیه سرمایه داری است که برای زندگی بهتری به خیابان ها آمده است. در جنبش جلیقه زردها نیروهای گوناگونی حضور دارند که هیچکدام نتوانسته اند مهر خود را بر آن بکوبند. بعد از جنبش عظیم سال ۱۹۶۸ در فرانسه ما هیچ جنبشی را در سطح جلیقه زردها وسیع نداشته ایم. دولت فرانسه سعی کرده است که با دادن امتیازاتی از جمله قیمت نفت و برخی کالاها این جنبش را بخواباند. اما تجربه دو هفته گذشته نشان داد که این امتیازات کافی نیست جنبش جلیقه زردها با بهره گیری از گذشته با تجربه تر عمل می کند و کار ادامه پیدا کرده است. جنبش جلیقه زردها فضاهای جدید مبارزاتی را در جامعه فرانسه گشوده است. در برخی از اخبار آمده بود که تظاهراتی نظیر جلیقه زردها در برخی کشورهای اروپایی برپاگردیده است. پیروزی این جنبش فقط نمی تواند در گرو تظاهرات خیابانی باشد گسترش این جنبش به دیگر کشورهای اروپایی می تواند نه تنها فرانسه که اروپا



بنگریم آیا از این سلاح علیه دیگری استفاده نشده است. آقای منصور حکمت در نوشته ای بعد از تشکیل حزب کمونیست بقیه نیروهای سیاسی را به رفتن درون حزب کمونیست ایران و یا ارتجاعی و مانعی در قدرت گیری کمونیسم در ایران می داند. آیا حزب کمونیست کارگری حکمتیست زمانی که با عبدالله مهدی در حزب کمونیست ایران متحد بودند، علیه نیروهای سیاسی مانع و سنگ اندازی ایجاد نمی کردند. آیا آنها با کاشتن افراد در درون احزاب در کردستان سعی به انحلال و از هم پاشاندن احزاب نکردند. آیا در آن زمان صدایی برای اعتراض در بین رهبران حزب کمونیست ایران و بعدا حزب کمونیست کارگری و انشعابات آن علیه چنین سیاستی برخاست. آیا در آن زمان عبدالله مهدی مدافع سینه چاک فراکسیون کمونیسم کارگری در حزب کمونیست ایران نبود. اگر موضع گیری علیه تفکر انحلال طلبانه و توطئه علیه احزاب و سازمان های سیاسی در کردستان در همان زمان در بین اکثریت رهبران قدیم و جدید این جریان وجود داشت. کار به اینجاها نمی کشید. متأسفانه برخی از نیروهایی که از فرمول غیر طبقاتی آزادی بی قید و شرط سیاسی دفاع می کردند و می کنند. در کوچکترین زمینه های اجتماعی علیه مخالفین خود به توطئه و دوری از مبارزه شفاف سیاسی روی می آورند. تنها انتقاد و طرد نقشه های تروریستی توسط حزب کومله عبدالله مهدی کافی نیست. دوستان خط حکمتیست بجای انتقاد سطحی از این عمل تروریستی می بایستی آن تفکر انحلال طلبانه را که آقای منصور حکمت پرچمدارش بود و خواهان انحلال احزاب سیاسی بجای همکاری، اتحاد، وحدت علیه بورژوازی بود را به نقد جدی بکشاند. تاریخچه های تروریسم سیاسی را در بین مناسبات احزاب بویژه چپ و کمونیستی خشکاند. آشکار شدن نقشه های تروریستی حزب کومله می تواند پیش در آمد انتقاد جدی و وسیع تری نسبت به مناسبات احزاب و ریشه کن کردن فرقه گرایی، اندیودالیسم و انشعاب گری باشد. کومله از سنت های انقلابی برخوردار است جناح های انشعابی از آن با هر اسمی قادر به نفی آن نیستند. تروریسم سیاسی آنها فقط می توانند افشاگر سیاست ها و بند و بست های سیاسی باشند که در دو دهه گذشته از مذاکره با رژیم اسلامی تا دست بوسی امپریالیست ها پیش رفته است. رفیق محسن رضوانی در برخورد به نظر ابراهیم عزیزاده بر سر این موضوع و طرح

کمیتة حقیقت یاب می نویسد: «..... این یک موضع گیری درست در مورد بکار برد سلاح برای حل اختلافات سیاسی است. چه خوب می شد چنین گروه تحقیقی دامنه کار خود را تا حد چگونگی بوجود آمدن اختلافات گسترش می داد و ریشه یابی می کرد. هر طبقه ای نه تنها مشی سیاسی خود را دارد بلکه سبک کار خود را هم در خدمت پیاده کردن آن در مسیر مبارزه بدست می دهد. سبک کار طبقه کارگر آگاه و احزاب کمونیست واقعا در خدمت این طبقه با سبک و سکتاریسم بیگانه است و این روش کار، از آن طبقات دیگر است. باید به دهه ی شصت برگشت و زمانی که اکثر احزاب و سازمان های کمونیستی و چپ زیر رگبار و کشتار رژیم جمهوری اسلامی به کردستان روی آوردند و بسیار طبیعی بود که تنها پناهشان کومله باشد. متأسفانه با ایجاد حزب کمونیست و پیروزی خط باطل سکتاریستی که کمونیستهای دیگر را اپورتونیست و پوپولیست خواندند مبارزه ایدئولوژیک را تا حد ایجاد انشعاب در دیگر تشکلات کشاندند، یک شرایط بسیار مناسبی را برای یکی شدن کمونیستها در حزبی متحد و گسترده که در سراسر ایران تشکیلات داشت از دست دادند. پراکندگی ها و در بدی های بعدی و نقشه های تروریستی را باید ریشه یابی کرد و به همان جلسه بوکان و کنگره اول حزب کمونیست کشاند تا روشن شود به کار بردن اسلحه ادامه همان سیاست است به وسیله ای دیگر. کلیه رفقای که در این امر نقش داشته ضروریست به این گذشته برخورد کنند. البته نه مثل رفیق سابق و آقای امروز ما عبدالله مهدی که در آخرین کتابش اقرار دارد که بزرگترین خبط سیاسی اش همان پذیرش خط سکتاریستی کنگره اول حزب کمونیست بوده است و متأسفانه بجای بازگشت به ریشه ها انقلابی کومله و روحیه وحدت طلبی آن اینبار از چپ سکتاریستی به راست ناسیونالیستی و همکاری با امپریالیسم غلتیده است. کمیتة حقیقت یاب باید به ریشه برگردد و با جمع بندی درست راه را برای شکوفایی نوینی، برای متحد کردن کمونیستها بر اساس اصول و شرایط مشخص کنونی فراهم سازند. خیزش عظیم کارگران، معلمان و توده های ستم ستیز از کمونیستهای متشکل کنونی انتظار دارد همت بلند بدارند و گامی جدی برای یکی شدن در خدمت این جنبش عظیم بردارند.....»

ما با نوعی از اندیشه و سبک کار طبقاتی رویرو هستیم که بجای مبارزه ایدئولوژیک، فحاشی، توطئه، تلاش برای انحلال و انشعاب

، بجای تلاش برای وحدت جنبش کارگری - کمونیستی سرکوب و ترور سیاسی - فیزیکی را در پیش گرفته است. این اندیشه و سبک کار متعلق به بورژوازی حقیری است که خواست هایش نه آینده ای دارد و جایگاهی برای پیشروی و چون قادر به بسیج هیچ نیروی تغییر دهنده ای نیست سعی به حذف مخالفینش از طریق ترور و توطئه می کند. این نوع عملکرد هیچ جایگاهی در بین جنبش نه تنها کمونیستی حتی رهاییبخش و آزادیخواهی نداشته بلکه بایستی کاملاً افشاء و طرد شود تا توطئه، سرکوب، کشتار کارگران و کمونیست ها تحت عنوان اختلاف سیاسی در آینده مناسبات احزاب سیاسی هیچ محلی از اعراب نداشته باشد.

ع.ع



مبارزه ی تشکلات مستقل کارگری در ایران در چند ماه اخیر مبارزه ایست میان دو طبقه، دو جهانبینی، دو خط مشی سیاسی و در نهایت دو آینده برای ایران

طبقه کارگر ایران برای اینکه برانندگی خود را در احراز نقش تاریخی سرنگونی نظام سرمایه داری کنونی نشان داده، صحت گفته مارکس که طبقه کارگر گورکن سرمایه داریست را به ثبوت رساند و نظام نوینی را در خدمت اکثریت عظیم مردم ایران و جهان مستقر سازد باید حالا و نه فردا و در اولین گام به رهبر جنبش کنونی توده های زحمتکش، ستمدیده و محروم در عمل نه در حرف تبدیل شود. مبارزه جاری در جنبش عمومی ضد رژیم جمهوری اسلامی درست روی همین مسئله تمرکز دارد. بدیل های بورژوازی با پشتیبانی امپریالیستها بویژه کاخ سفید یا بدل جنبش مستقل کارگری. بورژوازی ایران از همان آغاز تکاملش ضد کارگران عمل کرده و از طریق نمایندگان سیاسی و مذهبی خود در این صد ساله با تمام امکاناتی که از آن برخوردار بوده است نظامی را درست کرده که تمام در خدمت مشی کوچک صنف روحا



نی و بوروکرات های نظامی و اداری است. حاکمیت بورژوا در این صد ساله ی تغییرات زیر بنایی که ایران به جامعه ای سرمایه داری تبدیل شده است از لحاظ رو بنایی به شیوه استبداد مطلقه ی فردی عمل کرده است. زمانی زیر نام شاه و شاهنشاه و امروز زیر نام ولایت فقیه. روش اساسی حاکمیت استثمار شدید مزد گیران، ستم به زنان، ملیت ها، اقلیت های دینی و مذهبی و دیگر اندیشان بوده و در این عهده گیری با سرمایه جهانی و قدرت های امپریالیستی همراهی کرده است. صنف روحانیت هم که چهار دهه بر اریکه قدرت تنهایی نشسته، همانند دوران سلطنت رسالت طبقاتی خود را در مبارزه علیه جنبش کارگری بکار انداخته و ما به وضوح در هر دو نظام: سلطنتی و ولایت فقیه مبارزه با چپ و کمونیسم را با استفاده از کلیه شیوه ها و وسایل دیده ایم.

روضه خوان فلسفی که در اوایل انقلاب در کنار خمینی در جماران حاضر می شد، در دوره سلطنت زیر پوشش ساواک و حمایت محمد رضا شاه آزادانه منبر می رفت و روحانیت صدها کتاب و جزوه آزادانه ضد کمونیستی انتشار می داد. امروز دیگر فاش شده که آیت الله ابوالقاسم کاشانی نقش اصلی را در همکاری با کودتا گران آمریکایی در بیست و هشت مرداد ۳۲ داشته است. چنین است واقعیت تاریخی و عملکرد طبقه بورژوازی ایران. از نقش سیا و همکاری مستقیم رفسنجانی و بهشتی با آمریکایی ها، در روی کار آوردن خمینی حرفی نمی زنییم که کوس رسوایی این رژیم به اصطلاح ضد آمریکا پی بر سر هر بام کوبیده شده است. خروج ۸ میلیون مهاجر و پناهنده از ایران و استقرار آنها در جوامع سرمایه داری اروپایی و شمال آمریکا، وجود احزاب سیاسی بورژوا و خرده بورژوا در خارج با رسانه هانه های گوناگون بار دیگر بخش هایی از طرفداران نظام سرمایه که در این سالها توسط بورژوازی مذهبی انحصار طلب کنار زده شده بودند با همراهی بخش هایی از اصلاح طلبان نظام در تلاشند با پشتیبانی غرب بدیلی از نوع دمکراسی های بورژوازی غربی را ارائه دهند. اما رقابت و تفاف بین آنها بقدری زیاد است که حتی صدای وزارت امور خارجه آمریکا هم بلند است که قادر نیستند بین ناسیونالیستهای کرد و آذری و بلوچی و عرب از یکسو و سلطنت طلبان و مجاهدین اسلامی اتحادی ساز کنند. کمونیستها با جمع بندی از تاریخ صد سال مبارزه ی بورژوازی ایران برای ایجاد

جامعه ای مدرن و پیشرفته در همکاری با سرمایه جهانی درس های خود را از این گذشته ی خونبار ضد کمونیستی گرفته اند و به چوچه خیالات واهی نسبت به موعظه های رهبران بورژوازی ندارند. سرنوشت حکومت دکتر مصدق به کجا ختم شد و در سطح جهانی رهبران ملی چون سوکارنو، ناصر به چه سر نوشتی دچار شدند. بیش از نیم قرن مبارزه ی خلق فلسطین برای استقلال زیر پرچم اسلامی ها و ملی گرایان به کجا رسیده است. سرنوشت اقلیم کردستان به کجا کشیده شد. شکست و شکست و باز هم شکست چیزی جز این برای مردم به بار نیآورده است. پیروزی کارگران روسیه و چین دو نمونه برجسته ی قرن بیستم است تنها در این بود که حزب کمونیست هر دو کشور یکی در راسن آن لنین و دیگری مائو گول موعظه های اپورتونیستهای سوسیال دمکرات را که رهبری انقلاب را به بورژوازی محول می کردند، نخوردند. کار لنین آسان تر از مائو بود او با طرح تز های خود که به تز های آوریل معروف شده است توانست حزب بلشویک وکل جنبش کارگری را به روی مشی کارگری بکشاند و طبقه کارگر با قدرت عظیم خود توانست حکومت کرنسکی را براندازد. اما در چین ده سال طول کشید تا در حزب کمونیست چین خط درست انقلابی پرولتاریای به پیروزی رسد. البته نباید فراموش کرد که استالین و کمینترن در این ده سال از مشی نادرست در برابر مشی درست مائو جانبداری می کردند و به گفته مائو در دیدار با استالین خسارات زیادی به بار آورد. راه درست و تنها راه قبول راه کارگری، راه انقلابی سوسیالیستی که استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در براندازی رژیم حاکم فراهم می کند.

مبارزه ی کارگران سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه علیه توطئه ی موازی سازی که از درون و بیرون سندیکا علیه راه مستقل کارگری سازماندهی شده بود ادامه ی همان مبارزه ی طبقاتی بین سرمایه داران و کارگران است. همینطور هم باید به مبارزه ی کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نظر افکند. مبارزه ی صد ساله ی طبقه کارگر ایران هنگامی که کشتی بورژوازی دیگر به گل نشسته، تضاد های میان جناح بندی های جهانی و داخلی و منطقه ای بر اثر بحران ساختاری جهانی سرمایه شدت یافته است دارد ثمره می دهد. درست است که بر اثر شدت سرکوب و شرایط امنیتی کارگران بطور عموم و فعلا ن کارگری بطور اخص مجبورند در چهارچوب مبارزات

قانونی با استفاده از تاکتیک مشت در برابر مشت امر مقاومت را به پیش برند اما در این چند ماه اخیر بویژه پس از دستگیری های کارگران هفت تپه و فولاد اهواز دامنه مبارزه گسترش یافت و جنبشی سراسری در داخل و خارج کشور در دفاع از زندانیان کارگری بوجود آمده است. به شکرانه ی وجود تشکلات مترقی همبسته با جنبش کارگری دامنه ی این دفاع باز هم گسترده شد و سندیکا های کارگری جهانی و حقوق بشری هم به این کارزار پیوسته اند. امروز مسئله ایران نه تنها در سطح سیاست جهانی در صدر موضوعات قرار دارد بلکه دفاع از جنبش مستقل کارگری ایران هم برای کارگران کشورها یی که دارای تشکلات کارگری مستقل و مترقی هستند جزئی از وظائفشان در آمده است. دستگیری علی نجاتی از فعالان کارگری قدیمی هفت تپه و شکنجه ی سخت اسماعیل بخشی توسط دستگاه های امنیتی نه تنها عزم کارگران سراسر ایران را در مبارزه راسختر کرد بلکه با افشاگری بخشی در مورد شکنجه ها یی که شده است سطح مبارزات کارگری را به سطح عمومی و سراسری ارتقا داد و امروز دیگر بدیل کارگری دارد به بدیل کل جامعه برای خروج از بحران ساختاری تبدیل می شود.

پشتیبانی دانشجویان، معلمان، بازنشستگان از دادخواهی اسماعیل بخشی سیمای نوینی به مبارزات کارگری ایران داده است. بگذارید برای نمونه یکی از پیام های کارگران را در زیر بیاورم:

ما کارگران، فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری شهر سنندج، آزادی آقای اسماعیل بخشی کارگر شرافتمند و نماینده کارگران هفت تپه را به طبقه ی کارگر ایران و جهان به کارگران متحد و شرافتمند هفت تپه، به خانواده ی گرامیش به خود اسماعیل عزیز تبریک میگوییم و همچنین آزادی این کارگر عزیز را به تمام انسانهای که دل در گرو رهای طبقه کارگر و محرومان جامعه از یوغ مناسبات ظالمانه و نابرابر سرمایه را دارند تبریک میگویم

ما همچنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط خانم قلیان و علی نجاتی هستیم. کارگران عزیز هفت تپه کارگران فولاد و کارگران سراسر ایران ما کارگران و فعالین کارگری شهر سنندج قلیمان با شما میتید و قلیمان برای شما میتید ان هنگام که شما در اعتصاب بودی اگر چه فرسنگها از شما دور بودیم و عملن در صف متحدان



حضور نداشتیم اما قلب ما فکر ما اندیشه‌ی مانگاه ما باشما عزیزان بود. امید که طبقه کارگر با اتحاد و همبستگی به پیروزی نهایی دست یابد ما با شما و طبقه کارگر پیمان می‌بندیم تا پیروزی نهایی و رها شدن از نظم سرمایه با طبقه کارگر و کنار شما خواهیم ماند. ما کارگریم، خالق نیازمندیهای بشریم/ اگر روزی متحدانه بر خیزیم نظم سرمایه را بر هم میریزیم چنین است همبستگی طبقه کارگر و دیگر نیروهای توده‌ای. طبقه کارگر با مبارزاتش، مقاومت و ایستادگی پیشروان و فعالانش و پافشاری روی مشی دفاع از مشی عمومی طبقه کارگر در عمل می‌تواند کل جنبش‌های توده‌ای را با خود همراه سازد. شاید همانطور که مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست تاکید کردند خیزش طبقه کارگر بتواند فرقه‌گرائی را از تشکل‌های کنونی چپ و کمونیستی بزدايد.

محسن رضوانی



آمریکا آیا واقعا از سوریه عقب می‌نشیند؟

ترامپ رئیس جمهور آمریکا اخیراً اعلام کرده است که بزودی از سوریه نیروهای نظامی کشورش را بیرون خواهد برد. و گفته است که بایستی امنیت نیروهای دمکراتیک سوریه تامین شود. بسیاری آنرا یک حيله، برخی آنرا یک شکست و عقب نشینی و گروه‌هایی آنرا یک خط مشی جدید در اوضاع جدید بین المللی تلقی می‌کنند. آنچه که روشن است سیاست های ترامپ در بسیاری موارد بلف بوده است. سیاست جدید یعنی عقب نشینی حدود ۲۰۰۰ نظامی آمریکا از سوریه در داخل و خارج آمریکا توسط برخی از گروهها و کشورها مورد انتقاد و توسط بسیاری مثبت ارزیابی می‌شود. بطور مثال ترکیه و سوریه آنرا بدیده مثبت و دمکرات های آمریکا و اسرائیل و عربستان از آن اظهار ناخشنودی می‌کنند. سیاست های ترامپ می‌تواند هر سه نکته بالا را داشته باشد یعنی هم حيله و شکست و عقب نشینی را یکجا داشته باشد. سیاست های امپریالیسم آمریکا برای مردم جهان کاملاً روشن است آمریکا که به هر کجای جهان پا گذاشته ویرانی و مرگ و قدرت هژمونیک به همراه داشته و مورد

آمریکا در عراق هم در دوره ای نیروهایش را بیرون کشید و بعداً آنرا را به عراق برگرداند. مانوری که آمریکا در شکست و ناکارآمدی نیروهای نظامیش در عراق انجام داد. به نحو دیگری در سوریه در حال تکرار است. وقتی آمریکا نیروهایش را از مناطق عمدتاً عربی عراق عقب کشید که به قول فرماندهان نظامی آمریکا روزانه صدها بار به صورت پارتیزانی در عراق مورد حمله قرار می‌گرفتند و جمع کردن صدها هزار نفر کاری بس مشکل و هزینه بر بود. آمریکا در وضعیت عراق نیست. ولی حضورش علاوه بر اینکه به نفرت خلق های عرب بصورت اشغالگر دامن می‌زند، بلکه در عین حال نتوانسته است که در اوضاع سوریه بجزء ویرانی گسترده ناشی از بمباران های دائم تاثیر چندانی بگذارد.

متحدین اروپایی آمریکا بیشترین بهره را از حضور نظامی آمریکا در سوریه برده اند. آنها اولاً آمریکا را درگیر جنگ سوریه نموده اند دوماً بعلت معلوم نبودن اوضاع در ظاهر به خود نقش درجه سوم داده اند. تا هیچگونه مسئولیتی در قبال کشتار و ویرانی های سوریه نداشته باشند. در واقع اروپا در سوریه در نقش تماشاگر نبرد ببرها ظاهر شده است. تا وقتی جنگ مغلوبه شد به هر حال سهمی از طعمه سوریه را داشته باشد. همانطور که برخی از رهبران آمریکا بعداً موضع ترامپ را تعدیل و سعی کردند به سیاستی که اوپاما در عقب نشینی و بعداً بازگشت بصورت " نرم و بی سرو صدا" در عراق انجام داد نزدیک شوند. آمریکا می‌داند که عقب نشینی در خاورمیانه به از دست دادن بسیاری از میدان های نفتی و بازارهای اقتصادی پردرآمد منجر خواهد شد. با توجه به آن آمریکا در حال مانور و جابجایی نیروهای نظامی خود و ایجاد هرج و مرج بیشتر در اوضاع سیاسی خاورمیانه است.

آمریکا تلاش بسیار زیادی کرده است که کشورهای اروپایی را به " خطر" چین جلب نماید اما امپریالیست های اروپایی اولاً خود درگیر مشکلاتی هستند که چین و آمریکا و اخیراً روسیه در آفریقا برای هژمونی طلبی های اروپا بوجود آورده اند. ثانیاً اروپا هنوز به آن درجه ای از استحکام نرسیده است که در همه جبهه هایی که آمریکا از اروپا انتظار دارد وارد معرکه رقابتی و نظامی شود. اروپا در اوضاع کنونی به دنبال خرید زمان برای استحکام درونی خود برای تهاجمات بیشتر در آینده است. بطور مثال در اروپا ما با اعتراضات میلیونی در چند سال

نفرت مردم جهان بوده است. عقب نشینی آمریکا از هر نقطه برای مردم جهان همیشه جای خوشحالی بوده است زیرا که عفريت مرگ و ویرانی از بالای سر آنها دور شده است. این بار آمریکا بعد از شکست عوامل دست نشانده اسلامی خود در سوریه بازی را باخته است. دفاع از کردهای سوریه و استفاده از آنان به عنوان سربازان پیاده نظام برای پیشبرد سیاست های نظامی خود هم نتوانست جلوی باخت آمریکا را بگیرد. یکی از دلایل آن عدم اعتماد کردها نه تنها در سوریه بلکه در دیگر کشورها که حضور پررنگی دارند مانند ایران، ترکیه، عراق است. وقتی کردها در این کشورها زیر تیغ جلادان حاکم و بمباران رژیم های این کشورها بودند آمریکا مهر سکوت بر لب زده بود و از رژیم های شاه، نظامیان ترکیه و صدام دفاع می‌کرد. این تجربیات تاریخی نشان داده است که وقتی آمریکا به پشتیبانی از کردها برمی‌خیزد که منافعی شیطانی را در منطقه دنبال می‌کنند.

در رقابت تنگاتنگ بین المللی و رقبای پر قدرتی مانند چین، درگیریهای منطقه ای آمریکا بودجه های هنگفتی را می‌بلعد که اجازه تحرک های بیشتر اقتصادی - نظامی را از آمریکا می‌گیرد. در واقع ترامپ دارد به سیاست های اوپاما در زمینه بین المللی نزدیک می‌شود. آمریکا در طی سه دهه گذشته قدرت هژمونیک سیاسی خود را در سطح جهانی از دست داده است و آنرا فقط با اسلحه نمی‌تواند مجدداً بدست آورد. اینرا آمریکا در تجربیات متعدد بعد از فروپاشی شوروی و بویژه در عراق فهمیده است. قدرت رقابتی کشورهایی مانند چین، اتحادیه اروپا در عین اینکه بازارهای گسترده ای را برای سرمایه داری باز کرده است ولی کنترل این بازارها توسط رقبا چالش های متعددی را برای سرمایه داری این کشورها نیز در بر دارد.

برخی از صاحب نظران معتقد هستند که آمریکا در حال تمرکز نیرو برای حل مسئله ایران به طروق مختلف است. آمریکا با وجود رژیم جمهوری اسلامی بطور جدی با موانعی روبرو است که اجازه تحرک آزادانه سیاسی نظامی را به آمریکا نمی‌دهد. نظر دیگر تمرکز آمریکا بر روی چین را در نظر دارند و برخی معتقد هستند که آمریکا برای ایجاد شکاف بین روسیه و ترکیه در حال خالی کردن میدان و بجان هم انداختن ترکیه و روسیه در سوریه است. اما اینها تنها نکات احتمالی است که می‌تواند اتفاق بیافتد.



▲ اخیر بعلت طرح سفت کردن کمربندها مواجه بودیم، یونان، اسپانیا، ایتالیا و اخیراً جلیقه زردهای فرانسه آن نیروهایی هستند که بطور دائم دست امپریالیست های اروپا را برای همراهی با امپریالیسم آمریکا در سرکوب بیشتر مردم جهان محدود می کنند. حضور آمریکا در سوریه نه مقابله با داعش، نه حمایت از کردها بلکه صرفاً ایستادن جلوی روسیه و یا سرنگونی رژیم سوریه و به قدرت رساندن طالبان و یا داعش ها در سوریه و در صورت به سرانجام نرسیدن آن، ویرانی سوریه بود که حداقل آخری را به انجام رساند.

نکته آخر اینکه از زمانی که آمریکایی ها ایران را یکی از کشورهای محور شرارت شناختند، موضوع پایان دادن به اختلاف با ایران برایشان مطرح بوده است. در طول سال های گذشته آنها از روشهای مختلف، فشار سیاسی، تهدید نظامی، تحریم اقتصادی، گفتگوهای علنی و غیر علنی برای تسلیم ایران و یا نزدیکی به آن استفاده کرده اند. ایران دروازه آسیا با جمعیتی ۸۰ میلیونی و مملو از نفت و منابع طبیعی است، که برای منافع آمریکا در خاورمیانه بسیار استراتژیک است. اما رقبای آمریکا هم بر این موضوع واقف هستند که از دست رفتن ایران و افزایش نفوذ آمریکا می تواند برای منافع شان فاجعه بار باشد. آنچه که روشن است آمریکا سیاست های دقیق و طولانی مدتی برای ایران در نظر گرفته است. آنها تجربیاتی از کشورهایی که در دو دهه اخیر در آن دخالت مستقیم داشته اند اندوخته اند که در حال بکار بردن آن در رابطه با ایران هستند. بر طبق خبرها آمریکا در نظر دارد که نیروهای نظامی خود را از سوریه به کردستان عراق منتقل کند مکانی که با مرزهای ایران فاصله نزدیکی داشته و تهدیدی برای ایران بحساب می آید.

عملکرد تجاورگرانه و قلدن منشانه امپریالیسم آمریکا علیه دشمنان و حتی متحدینش افکار عمومی جهان را برانگیخته است. این نفرت عمومی برای حکومت های مرتجع و سرکوبگری مانند جمهوری اسلامی فرصتی بوجود آورده که اختلافات خود را با آمریکا از دریچه این نفرت عمومی توضیح دهند. و سعی کنند که برای خود حقانیتی بخرند البته مردم ما آگاه تر از آن هستند که فریب بازی های امپریالیسم آمریکا در حمایت از مردم ایران را بخورند. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی در ایران و به قدرت رسیدن یک رژیم سوسیالیستی، آن نیروی لایزال و پرقدرتی را بوجود خواهد آورد که نه تنها

طبقه کارگر در این دوپست ساله در مبارزه برای تغییر جهان بدست آورده است جرات به مبارزه هنگامی می تواند موثر تر باشد که برای سازماندهی جمعی، در راه متشکل کردن خود طبقه و توده ها بکار گرفته باشد. درست براساس همین تجربه و آموزش هایی است که کارگران در سراسر ایران مبارزه برای متشکل شدن و ایجاد تشکیلات مستقل خود، را با فداکردن جان در عمل به پیش برده اند. در دوران نوین جنبش کارگری ایران کسانی اقدام به سازماندهی حزبی و تشکیلات کارگری کردند که نه تنها تئوری می دانستند بلکه در سبک کار به چنان درجه ای از آگاهی رسیده بودند که جرات داشتند در شرایط سرکوب و دیکتاتوری دست به سازماندهی زنند. بی شک مبارزات کارگران پیشرو دو دهه ی اخیر، مقاومت و پایداری آنها نقش برجسته ای در شکل گیری یک بدیل کارگری در اوضاع سیاسی کنونی ایران داشته است. ایستادگی کسانی مثل شاهرخ زمانی، ستار بهشتی و ده ها پیشرو کارگری دیگر چنان قدرتی به خیزش کنونی کارگری داده است که اسماعیل بخشی را می زاید و به جامعه تحویل می دهد و با تمام تهدیدها، با تمام شکنجه های سخت پس از چند روز که توانایی فیزیکی خود را باز می یابد روبه مردم وکل جامعه شگنجه گران را در راس نظام به چالش می کشد. دیروز که بخشی در زندان بود جنبش وسیع در دفاع از او در حال شکل گیری بود و امروز که اعلام جرم علیه نظم حاکمان شکنجه گر کرده است موجی نوینی را در مبارزه ایجاد کرده است. جرات به مبارزه تا حد فدا کردن جان اساساً در پراتیک انقلابی و با شرکت در خود مبارزات توده ها هست که بوجود می آید و قوام می گیرد.

امروز جنازه رژیم جمهوری اسلامی تو خیا بان ها ولو است، حزب پیشرو انقلابی و تشکلات پولادین آبدیده در مبارزه عملی و رو در رو با حافظان جنازه ها را می خواهد تا نظام را برای همیشه سرنگون کنند و همچون نظام سلطنتی به زباله دادن تاریخ بریزند. چنین تشکیلاتی در میان مبارزات کارگران و در کارخانه ها و تجمع کارگران می تواند بوجود آید و استوار باقی بماند. تاریخ گواه براین است که توده ها جهان کنونی را با دست و اندیشه خود ساخته اند، پیشرفت بشر همراه بوده است با قیام ها و خیزش های بزرگ انقلابی چون هر بار و هر زمان که تضاد های طبقاتی به حد انفجاری رسیده است، حاکمان

برای مردم ایران یک سپر امنیتی مطمئن علیه امپریالیست ها را بوجود خواهد آورد بلکه در عین حال کمکی است برای دیگر نیروهای عدالت طلب و آزادیخواه. مانور دهی امپریالیسم آمریکا در سوریه ربطی به مردم سوریه و دیگر کشورهای خاورمیانه ندارد. این عقب نشینی مانوری در راستای جنگ و گریز های منطقه ای و رقابت های امپریالیستی است. مردم خاورمیانه خواهان کوتاه کردن دست همه نیروها و دولت های مرتجع منطقه و بازیگران جهانی از سر مردم نه تنها در خاورمیانه بلکه در کل جوامع بشری هستند.

روشن است که کوتاه کردن دست امپریالیست ها از سر مردم جهان فقط با مبارزه در درجه اول طبقه کارگر متحد به همراه توده های ستمدیده امکان پذیر است. رقابت گروه های مختلف امپریالیستی و دارودسته های مختلف سرمایه داری جهانی نه تنها گرهی از مشکلات عدیده ای که برای بشریت بوجود آورده اند نخواهد گشود بلکه بربریتی را در پیش پای بشریت کنونی قرار داده اند که فقط با درهم شکستن آن یعنی سیستم سرمایه داری و نابودی زنجیره سرطانی امپریالیستی و سیستم استثمار و بردگی می توان از شر آن خلاص شد و یکی از خونبارترین دوران تاریخ بشریت را به موزه تاریخ سپرد.

ع.ع



جرات به مبارزه

جرات به مبارزه یکی از کیفیت های عالی مبارزه ی طبقات انقلابی است که در طول تاریخ نقش تعیین کننده در لحظه های حساس تغییر جهان بسود پایینی ها داشته است. مبارزه امروز طبقاتی در ایران ما با توجه به بحران عمیق همه جانبه ای که سرا سر جامعه را فرا گرفته است به جایی رسیده که طبقه پیشرو و انسان های آگاه باید جرات به مبارزه را برای انجام وظایف بوجود آورند. می گویند از ناپلئون پرسیدند چه خصوصیتی در تو بود که توانستی از یک سرباز جزیره کورس به مقام امپراتور و فاتح اروپا برسی می گوید: جرات. چینی ها می گویند کسی که از مرگ نهراسد جرات می کند که امپراتور را از اسب پایین بکشد. در دوران ما و با تجربه ای که



صاحبان قدرت سیاسی به آسانی از صحنه خارج نشده اند. امروز تاریخ هزار ساله بشر بار دیگر در جامعه ما در سطحی تکامل یافته تر، بغرنج تر و پیچیده تر خود را نشان می دهد.

ر.دیلیم



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد،

دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

نشانی دیگران فروماندگی

حادثه مرگبار و جانگدازی برای دانشجویان دانشگاه آزاد علوم تحقیقات در تاریخ سه شنبه ۴ دی ماه ۱۳۹۷ رخ داد. در این حادثه بیش از ۲۷ نفر مجروح و ۱۰ نفر تابه حال جان خود را از دست داده اند. تبعاً این درد و غم همگانی است تنها درد و رنج مادران و پدران این جانباختگان و مجروحین نیست. فرهنگ مردمی ما بر این بنا شده که بنی آدم اعضای یک دیگرند و چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نیشد قرار. ما شاهد بودیم که نه تنها خانواده ها به سوگ از دست رفتن عزیزانشان نشستند بلکه فریاد اعتراضشان رسا تر به سراسر ایران رسید. برجسته تر این که غم را دانشجویان به نیرو برای اعتراض به مقامات و مسئولین دولتی و دانشگاهی تبدیل کردند. به درستی خانواده های جانباختگان این حادثه در عکس العمل خود نه تنها تبلیغات حکومت که خرافات را دامن زده اند و یا مسئول این حادثه را بر گردن راننده انداخته اند بلکه با صدای بلند دست به اعتراض زده اند و از جمله یکی

از مادران که در مصاحبه ای گفت: «برای ۸ واحد درسی ۲ میلیون ۵۰۰ هزار تومان دریافت می کنید مگر عوض کردن یک لنت چقدر است؟». به گفته یکی از مجروحین در رد ادعای مسئولین گفت: «راننده تا آخرین لحظه فداکاری کرد در حالی که می توانست خود را از اتوبوس به بیرون پرت کرده و جان خود را نجات دهد.»

در این فاجعه نه تنها آقای دکتر علی اکبر ولایتی عکس العملی از خود نشان نداد و بازدید از محل حادثه نکرد بلکه کسی را برای خنثی کردن اعتراضات در جمع دانشجویان فرستاد که یک صدا شعار «مسئول بی کفایت استعفا، استعفا» را می دادند چنین گفت: «من اینجا آمده ام (صدای بلند اعتراض دانشجویان) ... من اینجا آمده ام که بگم حق با مشتری است.»

چنین است عکس العمل مسئولین جمهوری اسلامی در جمع خانواده ها و دانشجویان که آن ها را مشتری خطاب می کنند. به گفته مادر یکی از دانشجویان فوت شده در همین تجمع خطاب به دولتی ها یاد آور شد: «چطور وقتی که اتوبوس کربلا واژگون میشه سرنشینان فوتی شهید خطاب می شوند ولی دانشجویانی که بر اثر بی توجهی مسئولین رهسپار دره مرگ میشوند فوتی نامیده می شوند. این نشانه ای از انحصار طلبی و تبعیضی است که رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز بین خودی و مردم قائل شده است.»

حال پرسش هایی بار دیگر در رابطه با این حادثه برای ما مطرح می شود، پرسش هایی که بارها در این سال ها هنگامی که یک حادثه جانگدازی نظیر آتش سوزی پلاسکو، کشتی سانچی یا اخیراً آتش سوزی کلاس درسی در سیستان و بلوچستان و ده ها حادثه جانگداز دیگر. چگونه است که رژیمی با بزرگترین نیروی امنیتی و نظامی در منطقه که بال های خود را از یک سوتا سواحل دریای مدیترانه و از سوی دیگر منطقه طالبان در افغانستان گسترده اند ولی در مقابل این حادثه فرومانده و درمانده اند! این امر ناشی از ماهیت چنین رژیمی است که از همان آغاز، ضد مردمی و ضد خواست های توده ها عمل کرده و به نظامی انحصاری متعلق به جمع کوچکی از روحانیت و سران سپاه و دستگاه های امنیتی تبدیل شده است.

به درستی که دانشجویان مسئولیت را به ولایتی حواله دادند، مردی که در این نظام دارای بیش از سی مسئولیت عالی حکومتی است و یکی از مشاوران نزدیک ولایت فقیه خامنه ای است.

چهل سال دیکتاتوری اسلامی همانند پنجاه سال دیکتاتوری سلطنتی پهلوی ها با اینکه از لحاظ نظامی ظاهر مقتدر به نظر می رسد اما از درون پوسیده، درمانده و فرو مانده است. این وضع مربوط به نظام اجتماعی سرمایه داریست و از ماهیت آن نشأت می گیرد. از نظامی که چرک و خون از پنجه هایش جاریست و میلیون ها کارگر و مزدبگیر را این روز ها به خاک سیاه نشانده. خیال واهی است چنان چه انتظاری جز این داشت. خیزش دی ماه ۹۶ پاسخی راستین به اوضاع بود و با اینکه بر اثر سرکوب و نبودن تشکیلات سیاسی منسجم پرولتری نتوانست به پیروزی رسد اما منطق استثمار شونندگان و ستم ستیزان ادامه مبارزه تا پیروزی نهایی است.

راه ما همان پاسخی است که شاهرخ زمانی در پیام خود از درون زندان به دانشجویان داد. باید یکی شویم، باید همانطور که در دفاع از کارگران هفت تپه دانشجویان نشان دادند با کارگران یکی شوند و بزرگترین نیروی اجتماعی را برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی با اتکا به نیروی خود به وجود آورند.

۱۰ دی ماه ۱۳۹۷



در جنبش جهانی... بقیه از صفحه آخر

ژاپن:

حزب کمونیست ژاپن از حقوق کارگران خارجی دفاع می کند

حزب کمونیست ژاپن در تقاضای رفتار منصفانه برای کارگران خارجی در کشور خود به سایر کمونیست ها و نیروهای چپ در سراسر جهان پیوسته است. ژاپن کشوری با تعداد کمی از ساکنان متولد خارجی است اما اخیراً دولت شینزو آبه، نخست وزیر، از طرح ماده ای در قانون اساسی در پارلمان حمایت می کند که اجازه می دهد تعداد محدودی از آنچه که موسوم به "کارگران مهمان"، و در این مورد به عنوان "کارآموزان" وارد کشور شوند. در ۳۰ اکتبر، اعضای کمونیست در کابینه با فدراسیون وکلای ژاپن برای بحث در مورد قانون پیشنهادی و دستیابی به توافق در مورد یک رویکرد مشترک، دیدار کردند.

کمونیست ها از اتخاذ موضعی که توسط وکیلی بنام ایچکاو ماساهی (Ichikawa Masahi) گرفته شده مبنی بر عدم نامطلوب بودن لایحه موافقت کردند که حقوق اساسی کارگران خارجی را تضمین نمی کرد. ◀

کارگران جهان متحد شوید



گلوله در ناحیه نوووا بولیوی کشته شده اند. در بیانیه دفتر سیاسی به امضای اسکار فیگونه، معاون اجرایی PCV آمده است : مقامات مربوطه اقدامات احتیاطی لازم را برای حفاظت از فجارو انجام نداده اند، هرچند که تهدیدات به مرگ فجارو را بارها و بارها محکوم کرده اند. "ما زمینداران منطقه سورل دل لاگو، اعضای گارد ملی و سیاستمداران فاسد که عموماً تهدیدهای زیادی را علیه رفیق ما برای این ترور انجام داده اند مسؤل میدانیم". فیگونه در بیانیه خود اعلام کرد و از دولت خواست تحقیقات و اقدامات جدی را برای اجرای اشد مجازات مجرمان سازماندهی کند.

رهبری PCV با جنبش مقاومت و مبارزین دهقانی کاونو ریکو و اعضای حزب در سراسر ونزولا ابراز همدردی کرد و اظهار داشت: "ما خاطره رفیق خود را گرامی میداریم و به مبارزه خود برای احقاق حقوق مردم و برای یک میهن مستقل ادامه خواهیم داد و پیروز خواهیم شد."

حادثه اخیر به عنوان یکی از خشنونت آمیزترین حملات عدیده علیه حزب کمونیست ونزولا ثبت شده است. مدت کوتاهی پیش، یکی دیگر از اعضای PCV توسط یک موتورسیکلت سوار در منطقه Barinas مورد حمله و اصابت گلوله قرار گرفت، که به زحمت جان سالم بدر برد. سور دل لاگو به عنوان یک منطقه شناخته شده است که شاهد وقوع مکرر درگیری میان دهقانان و صاحبان زمین است.

حزب کمونیست ونزولا که مبارزات

با کارگران درباره وضعیت موجود در این تاسیسات که در حال حاضر در حال ساختن کشتی های جنگی برای عربستان سعودی است، ضمن افشاکاری در مورد جنایات رژیم سعودی که در حال حاضر مداخله نظامی و سرکوب وحشیانه یمن را انجام می دهد، دولت های قبلی حزب کارگران سوسیالیست و حزب مردم را برای اینکه صنعت کشتی سازی را نادیده گرفتند، محکوم کردند، اما اظهار داشتند که ملاحظات حقوق بشری را باید اولویت بندی کنند و برای تقویت پرونده فروش اسلحه به عربستان سعودی از تهدید بیکاری به عنوان گرسنگی نباید استفاده کنند

اونزونا:

دو تن از اعضای حزب کمونیست ونزولا (PCV) ترور شده اند

حزب کمونیست ونزولا اعلام کرد که لونیس فجارو عضو کمیته مرکزی PCV، رهبر جنبش دهقانان و یکی دیگر از اعضای PCV با اصابت گلوله به قتل رسیده اند.

بر اساس اطلاعیه ۴ نوامبر ۲۰۱۸ توسط حزب کمونیست ونزولا (PCV)، لونیس فجارو عضو کمیته مرکزی PCV و یکی از رهبران جنبش دهقانان و یکی دیگر از اعضای خاندان آلدانا، عضو جنبش کارگری، توسط شلیک گلوله به قتل رسیده اند.

بر اساس بیانیه حزب کمونیست ونزولا (PCV)، دو عضو حزب، که یکی از آنها عضو کمیته مرکزی می باشد، در راه خانه خود از یک ماشین در حال حرکت با شلیک

در میان مشکلات و نارسایی های دیگر، کارگران خارجی که اجازه ورود به ژاپن به آنها داده شده، تحت این لایحه مجاز نخواهند بود که به مدت ده سال، خانواده های خود را به ژاپن بیاورند. نماینده حزب کمونیست در پارلمان ژاپن، شیوکاوا تتسویا (Shiokawa Tetsuya) اشاره کرد که این لایحه از حقوق کارگران و کار آموزان خارجی برای تغییر شغل در حالیکه آنها در ژاپن بسر می برند حمایت نمی کند. و هیچ کاری در مورد نقش ا ستثمار گرایانه کارگزاران کار (بنگاههای کارایی) انجام نمی دهد.

اسپانیا:

از تاکتیک های وحشتناک برای تقویت فروش سلاح به عربستان استفاده می شود

کمونیستهای اسپانیا از احزاب حاکم می خواهند که دل نگرانی های حیاتی نقض حقوق بشر را در مورد فروش اسلحه به ارتش عربستان سعودی مد نظر داشته باشند و به درآمدهای صنایع تسلیحاتی اسپانیا اولویت ندهند

انریکه سانتیاگو، دبیر کل حزب کمونیست اسپانیا، و ارنستو آلبا، دبیر کل حزب کمونیست منطقه اندلس، با رهبران CCOO یا کنفدراسیون کمیسیون های کارگری که بزرگترین سندیکای اتحادیه های کارگری در اسپانیا و نمایندگان شرکت دولتی کشتی سازی Navantia در کادیز ملاقات کردند. دو رهبر کمونیست با سفر خود به کارخانه های کشتیرانی و صحبت





جاری جنبش دهقانی و کارگران کشاورزی را در مناطق روستایی رهبری می‌کند، با تهدیدات و سوء قصد‌های بسیار روبرو است. کارولیس ویمر، عضو دفتر بین الملل حزب که بسیاری از اعضای آن برای مدت طولانی بازداشت و یا زخمی شده‌اند، در آخرین مصاحبه خود با ICP به این مسئله اشاره کرده و اظهار داشت "ما از جانفشانی‌هایی که این مبارزه نیاز دارد، آگاه هستیم، به این دلیل عقب نشینی نمی‌کنیم."

اخیراً، قطعنامه‌ای در رابطه با رفتار ناعادلانه علیه ژن لوئیس دیاز عضو PCV که توسط نیروهای پلیس بولیواری برای مدت ۳ ماه با اتهامات بی اساس مورد بازجویی قرار گرفت، صادر شد. در این قطعنامه ایجاد یک کمیته تحقیق جهت رسیدگی به اقدامات مقامات عالی رتبه که در چنین حوادثی شرکت داشتند، ارائه شد. اعضای حزب متحد سوسیالیست (PSUV)، حزب حاکم ونزوئلا، همدردی خود را در مورد جان باختن لوئیس فجار دو ابراز داشتند. حزب کمونیست ونزوئلا از PSUV برای نقض پروتکلی که در آغاز ماه اکتبر توسط طرفین امضا شده بود، انتقاد می‌کند. انتظار می‌رود PCV کارزاری را بر علیه حملات نسبت به جنبش مقاومت سازماندهی کند.



ایالات متحده و چین در اجلاس همکاری اقتصادی... بقیه از صفحه آخر

می‌باشد»، افزود:

«جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین بیشتر باعث اختلال در تجارت و مبادله ما شده است.»

رهبران ایپک دیگر از سیستم حمایت (از تولیدات داخلی) موزیانه و مضر ایالات متحده جلوگیری به عمل آوردند. ایده واشنگتن از تجارت آزاد منصفانه نیست.

برای اولین بار، رهبران ایپک نتوانستند در کنفرانس مشترک به توافق برسند، دیپلمات ارشد چینیا ژانگ اکسیالانگ اظهار داشت:

«رهبران موافقت کردند که بجای یک اعلامیه از جانب رهبران سنتی آنها بسپارند به دست پی ان جی (۴) به عنوان رئیس جلسه برای اعلان سخنرانی، رئیس جلسه از طرف همه اعضا برای تصویب اجماع در نظر بگیرند» - با حذف مسائل بحث انگیز،

غالباً اختلافات عمده ایالات متحده/چین. پکن، اتهامات را رد کرد که مقامات آن تلاش کردند تا رهبران اجلاس سران را به منظور اعلام نشست نهایی براساس آنچه که چین دیکته کرده است تحت فشار قرار دادند. با توجه به پیتر اونیل، رهبر میزبان کشور، اصرار ایالات متحده برای بدست آوردن توافق در بیانیه نهایی، که خواستار اصلاح سازمان تجارت جهانی (با توجه به منافع ایالات متحده) است، استخوان اصلی این مجادله و مشاجره بود - چرا یک بیانیه رئیس اجلاس جایگزین یک قرار داد نهایی مرسوم که مورد توافق همه رهبران بوده، شده است.

ترامپ جنگ تجاری با چین را به مرحله بدتر افزایش می‌دهد

ترامپ قبلاً تهدید کرد که از سازمان تجارت جهانی خارج می‌شود و به دروغ گفت که این سازمان بطور غیر منصفانه به منافع چین خدمت می‌کند. اونیل توضیح داد که رهبران ایپک هیچ نظری در مورد عملکرد سازمان تجارت جهانی ندارند.

به گفته یک دیپلمات گمنام ایپک، مذاکرات آخرین دقایق «بسیار شدید بود... ما نتوانستیم در مورد بعضی مسائل در مورد تجارت به توافق برسیم. اختلاف نظر خیلی بزرگ بود. ایالات متحده و چین نمی‌توانستند به صورت یکدیگر نگاه کنند.»

معاون ترامپ، پنس عهد کرد که فشار بر چین را ادامه دهد، گفت: اختلافات دو جانبه «با اقدامات تجاری، با تعرفه‌ها و توافق نامه‌ها (سهامیه‌ها)، انتقال فن آوری‌های بالا، سرقه‌کار یا اختراع که نتیجه خلاقیت است آغاز می‌شود. این موضوع فراتر از آن است که به آزادی نوابری دریایی و نگرانی در مورد حقوق بشر می‌باشد.»

در تمام موارد، ایالات متحده به مراتب مجرم پیشتاز جهان است. هیچ ملت دیگری برای تطبیق به این شیوه‌های خشونت آمیز نمی‌رسد، اینکه همه کشورهای دیگر باید در برابر اراده و خواسته‌های ایالات متحده زانو بزنند، ادامه جنگ‌های بی پایان و تجاوز به منظور مجبور کردن کشورهای دیگر برای پذیرش منافع خود، نیت ایالات متحده است.

تهاجم ژئوپلیتیکی ایالات متحده کشورها را بیگانه می‌کند. در روز شنبه، پنس خواستار تغییر راه و روش چین شد و گفت: «ما بر روی ۲۵۰ میلیارد دلار از کالاهای چینی تعرفه گمرکی می‌گذاریم و ما می‌توانیم این مبلغ را به دو برابر برسانیم.»

در پاسخ، شی جینگپینگ از چین اظهار داشت: «تلاش برای ایجاد موانع و کاهش روابط نزدیک اقتصادی برخلاف قوانین اقتصادی و روند تاریخ است. این یک رویکردی ست که فاقد تصور و پیش بینی است و مطمئناً با شکست روبرو خواهد شد.» او هم چنان اضافه کرد:

«ما باید به سیستم حمایت از تولیدات داخلی و یکجانبه‌گرایی نه بگوئیم. تاریخ نشان داده است که این تقابل‌های خصمانه - چه در غالب جنگ سرد، تجاوز جنگی و جنگ تجاری - برنده‌ای وجود نداشته.»

سایر رهبران ایپک از برنامه "آمریکا اول" ترامپ انتقاد کردند، از جمله تحریم‌های غیر قانونی و غیر قابل قبول به عنوان راهی به منظور تطبیع ملت‌های دیگر در مقابل خواسته‌های ایالات متحده - تاکتیک شکست خورده‌ای که هر بار مورد آزمایش قرار گرفت.

مجله گلو بال تایمز چین پاسخ دندان شکنی به اظهارات خصمانه پنس داد و گفت: آنها «هیچ چیز جدیدی» را ارائه نمی‌دهند، و افزود: «او خط مشی سختگیرانه ایالات متحده را در جنگ‌های تجاری خود با چین تکرار کرد، تجدید عزت و عزم ایالات متحده از آزادی نوابری و کمک‌های خارجی و هم‌کاری‌های چین با کشورهای دیگر را مورد انتقاد قرار داد.»

او به دروغ گفت: «ما استقلال شما را ناگزیر، تباه یا مصالحه نمی‌کنیم. ایالات متحده بطور آشکار و منصفانه معامله می‌کند.»

سیاست‌های ژئوپلیتیکی سختگیرانه/خودپرداز ایالات متحده مخالف آنچه که پنس ادعا کرد و خواستار تبدیل دیگر ملت‌ها به تبعه ایالات متحده شد که در واقع منافع خود با هزینه دیگران را همراه دارد - این چگونگی عملکرد واشنگتن در سطح جهان است. توسط استنفان لند من، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۸

1 - Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC) summit.

2 - Association of Southeast Asian Nations (ASEAN).

3 - Brexit. 4 - PNG (Papua New Guinea)



نیروی توده‌ها در وحدت و آگاهی آنهاست



من هم شکنجه شده ام بقیه از صفحه آخر

برگزار خواهند کرد و به پرسش و پاسخ و طرح خواست های کارگران خواهند پرداخت. و یا چندی بعد با افراد سست عنصر و بهره گیری از عوامل کارگزار اعلام انتخابات کردند. حیل های متعدد به همراهی دستگیری تعداد زیادی از کارگران از یک طرف و وعده وعید های بیشتر و ایجاد فضای امیدواری به حل مسئله از طریق گفتگو، بالاخره توانستند اعتصابات هفت تپه را که هفته ها بطول کشیده بود. ظاهرا با پیروزی نسبی خاتمه دهد. اما هنوز چندی از خاتمه نگذشته بود که کارگران پیشرو استوارانه مجددا دست به تحسن و اعتصاب برای دریافت حقوق عقب مانده زده و فضای ترس و وحشت به همراه امید های واهی را به هم ریختند. و اجازه ندادند که سرمایه و کارگزاران حکومتی و غیر حکومتی آنها بتوانند بر جنبش مبارزاتی کارگران غلبه پیدا کنند. شاخ و شانه کشیدن رژیم علیه اسماعیل بخشی ناشی از خشم رژیم در ادامه مبارزات کارگران هفت تپه است و در حقیقت آنها در حال تهدید کارگران هفت تپه در سربر آوردن مجدد این اعتصابات هستند. در همین مدت ما با تظاهرات، اعتصابات و تحسن های متعدد دیگری روبرو هستیم که در خواست اولیه همه آنها پرداخت دستمزدها و حقوق های عقب افتاده و پرداخت های به موقع است. تامین امنیت شغلی و... لیست بلند بالایی از دیگر خواست های اساسی کارگران در کنار فقر و فائقه ای که هر روز در عدم پرداخت دستمزدها به کارگران تحمیل می شود. به قول معروف کارگران را به مرگ گرفته اند تا به تب راضی شوند. عدم پرداخت حقوق ها برای مدت های طولانی به کارگران آنها و خانواده هایشان را نه در مرز فقر بلکه در مرز گرسنگی کامل نگه داشته است. هر از چند گاهی از خودکشی کارگرانی که قادر به تامین نان زن و فرزندانشان نبوده اند مطلع می شویم. نخوردن گوشت و عدم استفاده از مواد غذایی مناسب ناشی از

خود را می یابد. تنها و تنها رژیم فاشیستی و جلاد اسلامی در ایران است که منکر شکنجه می شود. این رژیم هنوز هیچ جوابی برای قتل عام زندانیان سیاسی طی ۴ دهه حاکمیتش ارائه نمی دهد. در این رژیم اعدام همچنان ادامه دارد. زمانی شکنجه، اعدام از جامعه رخت بر خواهد بست که خواست های کارگران و تولید کنندگان جامعه برای تحقق عدالت اجتماعی، تامین کار برای همه، ریشه کنی گرسنگی، وسیع ترین آزادی اجتماعی و اداره شورائی جامعه به ثمر برسد در آن صورت نه از رژیم سرمایه داری و مذهبی اسلامی در جامعه خبری است و نه هیچ دولت دیگری که سرکوب اکثریت جامعه را برای تامین سود سرمایه داری سازماندهی نماید. در آن موقع شعار جامعه «از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش» خواهد بود.

ع.ع



به تارنما های اینترنتی

حزب رنجبران ایران

مراجعه کنید

و نظرات خود را

در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران

www.ranjbaran.org

سایت آینه روز

www.ayenehrooz.com

سایت رنجبر آنلاین

www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر

[http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-](http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library)

[Roos-s-Library](http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library)

سایت آرشیو روزنامه رنجبر

بی پولی به مشکلی کاملاً «عادی» برای خانواده های کم درآمد و کارگر و زحمتکش در ایران تبدیل شده است. بر طبق معدل متوسط آمارها طبقه کارگر ایران ۱۵ میلیون نفر را در بر می گیرد که با احتساب خانواده هایشان یک جمعیت ۶۰ میلیونی نفی را تشکیل می دهند. فقط جنبش کارگری چهره جامعه را تغییر خواهد داد در این شرایط سخت اجتماعی که فشار به مردم به حد انفجاری رسیده است، یکی از رهبران سندیکای هفت تپه اسماعیل بخشی، حاکمیت را با اعلام اینکه در طی مدت بازداشت شکنجه شده است به چالش می کشد. رژیمی که به سختی و با سرکوب توانسته از زیر فشار جنبش کارگری در هفت تپه و فولاد اهواز فرار کند، ناگهان با چالشی روبرو می شود که شعارش «من هم شکنجه شده ام» است. صدها شکنجه شده با بازگویی دوران زندان به شکنجه هایی که بر آنان رفته است مهر اعتراض علنی بدست گرفته و آنرا بر اندام منحوس رژیم اسلامی می کوبند. جنبش دادخواهی از شکنجه جامعه را در بر گرفته است. این اعتراضی است به سیستم فاسد قضاوت و دادرسی در ایران، این اعتراضی به سرکوبگری و شقاوت رژیم بورژوا مذهبی در ایران است که بایستی مورد حمایت استثمار شده گان و ستمدیدگان جامعه قرار بگیرد. این تنها زندانیان سیاسی شکنجه شده نیستند که شعار «علیه شکنجه علیه اعدام» را بخشی از تامین تاریخی خواسته های خود می بینند. زنانی که در خیابانها کتک خورده اند، کودکانی که ناشی از فقر در خیابانها تا صبح از سرما لرزیده بخود پیچیده اند، دانشجویانی که بطور دائم با هجوم ارادل و اوباش نیروهای امنیتی به خوابگاهها و دانشگاههای خود روبرو هستند، کارگرانی که ناشی از فقر در شکنجه روحی دست های خالی از نان در درون گریسته اند و هزاران زندانی سیاسی و غیر سیاسی که هر روزه در زندانهای رژیم شکنجه شده و می شوند، و بالاخره هر انسانی با وجدانی که در زیر سایه چکمه ها و شلاق های این رژیم حتی مدت کمی زندگی کرده است. زبان حال



توده ها سازندگان تاریخ هستند

در جنبش جهانی کمونیستی



آندراده که در حال حاضر دبیر کل اتحادیه ملی ساختمان و کارگران متحد است از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ در کنگره اروگونه خدمت کرده است.

حزب کمونیست در بیانیه خود در مورد نامزدی آندراده، بر خطر افزایش جنبش فاشیستی در آمریکای لاتین و در سراسر جهان تاکید کرد که نشان می دهد دولت ترامپ و انتخاب بیر بلسنارو به عنوان رئیس جمهور برزیل، همسایه بی نظیر او اروگونه است.

اروگونه:

پشتیبانی از اتحادیه های کارگری در انتخابات ریاست جمهوری افزایش می یابد

حزب کمونیست اروگونه، بار دیگر از فعالیت انتخاباتی برای ریاست جمهوری سال آینده اسکار آندراده یکی از اعضای حزب کمونیست و رهبر کارگری که به عنوان کاندید جبهه وسیع چپ که حزب کمونیست همراه با دوازده حزب دیگر در آن شرکت دارند پشتیبانی می کند

ایالات متحده و چین در اجلاس همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (ایپک) با یکدیگر تصادم شدید داشتند.

به سوی از هم گسیختگی ساختارهای تجاری آسیا و اقیانوس آرام

بر تفاوت های عمده ایالات متحده و چین در مورد تجارت، سرمایه گذاری و مسائل امنیتی متمرکز شده است.

مهاجر محمد، نخست وزیر مالزی از نابرابری ناشی از جهانی شدن منطقه انتقاد کرد و گفت: مزایای تجارت آزاد و منصفانه و یک پارچه گی اقتصادی از هم کاملاً گسیخته شده است که نشانگر برکسیت (۳) و جنگ های تجاری میان اقتصادهای بزرگ

کرده اند.

برطبق اظهار تامی کوه، دیپلمات سنگاپوری، « برای آسیایی ها به نتیجه مطلوب رسیدن این نشست مهم است »، افزون بر گفته خود، اختلاف نظرهای عمده چین و ایالات متحده در رابطه با تجارت و مسائل دیگر برای رهبران آسیا/اقیانوس آرام بسیار نگران کننده است. اجلاس ایپک که به تازگی به پایان رسیده، تا حد زیادی

ترامپ از شرکت در اجلاس سران کشورهای همسایه اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (ایپک) (۱) در ۱۷ تا ۱۸ نوامبر خود داری کرد.

او هم چنین در اجلاس سران کشورهای عضو انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (ای اس ئی ای ان) (۲) که در سنگاپور روز ۱۱ نوامبر برگزار شد شرکت نکرده است. مایک پنس و جان بولتون بجای او شرکت

من هم شکنجه شده ام

را خوب می شناسند. رژیم جمهوری اسلامی سعی کرد که با براه انداختن انشعاب و درست کردن یک سندیکای وابسته به خود روند و سمت و سوی اعتراضات هفت تپه را تغییر دهد. کارگزاران سرمایه حتی تلاش کردند که از جنبش دانشجویی برای به انحراف کشیدن این مبارزه متشکل استفاده کنند. آنها اعلام کردند که «دانشجویان مسلمان سمینار دفاع از کارگران» را در برابر مجتمع هفت تپه

خانه بفرستند. چند عامل این پیش بینی رژیم را با شکست روبرو ساخت. اولاً وعده و وعید های رژیم دورغ بود و آنها فقط بخشی از حقوق عقب مانده را پرداخت کردند و بقیه حقوق ها را نپرداختند. دوما اسماعیل بخشی با افشاکری شجاعانه خود بر سر مسئله شکنجه روحیه مقاومت دوباره ای در برابر سرکوبگری رژیم دمید. سوماً کارگران هفت تپه در طی سال ها مبارزه با تجربه و آبدیده تر شده اند و دوز و کلک های رژیم

در چند روز اخیر کارگران نیشکر هفت تپه مجدداً دست به اعتصاب بر سر حقوق عقب مانده زدند. بعد از دستگیری اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان به همراه ۱۵ نفر دیگر، انتظار رژیم آن بود که با بگیر و ببند و وعده و وعید توانسته است. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز را متوقف کند. رژیم سعی کرد که با توطئه و ایجاد جدائی بین کارگران تیغ تیز مبارزاتی آنها کند کرده و به قول معروف همه را به

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org